

Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 9, Autumn 2022, 229-254
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.38277.2360

An Illusion and a Paradox in the GCC
A Critical Review on the Book
The Gulf States in International Political Economy

Hakem Ghasemi*

Abstract

The process of globalization has created many challenges for countries. Small countries, meanwhile, face more challenges, because they are more influential and vulnerable communities. Researchers have published various articles and books about this issue and have tried to explain the situation of countries in the process of globalization, and their actions to resolve the problems and challenges of globalization. With this approach, the author of the book *The Gulf States in International Political Economy* has tried to explain the position of the GCC members in the international economy in the era of globalization. This book examines and analyzes the actions of small countries in the Persian Gulf to adapt to globalization and global conditions. In this article, with a critical review of this book, we have tried to examine and introduce its strengths and weaknesses. This study shows that the author of the book has provided valuable analysis of the policies and actions of the small the Persian Gulf countries to improve their position in the international economy. But, at the same time, the book has numerous formal and content weaknesses, especially its translated text.

Keywords: International Political, International Economy, Globalization, Persian Gulf, GCC.

* Associate Professor, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran, ghasemi@ikiu.ac.ir

Date received: 27-06-2022, Date of acceptance: 26-10-2022



یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس (بررسی انتقادی کتاب اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس)

حاکم قاسمی*

چکیده

فراگیری فرایند جهانی شدن، با توجه به تأثیرات گسترده آن، چالش‌های زیادی را برای کشورهای ایجاد کرده است. در این میان، کشورهای کوچک، به‌عنوان جوامعی که از تأثیرپذیری بیش‌تری برخوردارند، با چالش‌های بیش‌تری روبه‌رو هستند. پژوهش‌گران مقالات و کتاب‌های مختلفی را به این موضوع اختصاص داده و سعی کرده‌اند وضعیت کشورهای را در فرایند جهانی شدن و اقدامات آن‌ها را برای مواجهه با چالش‌های جهانی شدن تبیین کنند. نویسنده کتاب اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس با این رویکرد سعی کرده است جایگاه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را در اقتصاد بین‌الملل در عصر جهانی شدن توضیح دهد. این کتاب اقدامات کشورهای کوچک خلیج فارس را برای انطباق با شرایط جهانی بررسی کرده است. در این مقاله، با نگاهی نقادانه به کتاب، سعی شده است نقاط قوت و ضعف آن بررسی شود. این بررسی نشان می‌دهد که نویسنده کتاب تحلیل‌های ارزش‌مندی از سیاست‌ها و اقدامات کشورهای کوچک خلیج فارس برای ارتقای جایگاه خود در اقتصاد بین‌الملل ارائه کرده است، اما در عین حال کتاب، به‌ویژه متن ترجمه آن، از ضعف‌های شکلی و محتوایی متعددی رنج می‌برد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، اقتصاد بین‌الملل، جهانی شدن، خلیج فارس، شورای همکاری.

* دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،
ghasemi@ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴



۱. مقدمه

جهانی‌شدن فرایند فراگیری است که حوزه‌های مختلف و انواع بازیگران را در عرصه بین‌المللی تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای در وضعیت کشورها ایجاد کند. جهانی‌شدن در عین این‌که تهدیدهایی ایجاد می‌کند فرصت‌هایی را نیز به وجود می‌آورد. به لحاظ نظری، همه کشورها می‌توانند به صورت برابر از فرصت‌های جهانی‌شدن بهره‌مند شوند، اما در عمل توانایی کشورها برای به‌رمندی از این فرصت‌ها یکسان نیست. کشورهایی که از قدرت و توان تأثیرگذاری بیش‌تری برخوردارند امکان بیش‌تری برای بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی‌شدن دارند.

بنابراین، در چالش‌هایی که در فرایند جهانی‌شدن به وجود می‌آید کشورهای قدرت‌مند با استفاده از توان تأثیرگذاری خود می‌توانند از فرصت‌هایی که ایجاد می‌شود استفاده کنند و آسیب‌پذیری خود را به حداقل کاهش دهند، در حالی‌که کشورهای کوچک، با توجه به توانایی‌های محدود خود، بیش‌تر در معرض آسیب قرار می‌گیرند. این‌که چگونه کشورهای کوچک می‌توانند در محیط جهانی‌شده منافع ملی خود را تأمین کنند مسئله‌ای است که موضوع پژوهش‌های مختلف قرار گرفته است. پژوهش‌گران با بررسی این موضوع سعی کرده‌اند وضعیت کشورهای کوچک را در فرایند جهانی‌شدن و در مواجهه با چالش‌های جهانی‌شدن تبیین کنند.

در بین منابعی که به این موضوع توجه نشان داده‌اند برخی به بررسی وضعیت کشورهای کوچک خلیج فارس پرداخته‌اند. کتاب *قدرت‌های کوچک خلیج فارس از جمله این آثار* است. این کتاب به ارزیابی سیاست خارجی و امنیتی سه کشور عمان، قطر، و امارات متحده عربی بعد از بهار عربی پرداخته و سعی کرده است نشان دهد چگونه این کشورها بقای خود را تضمین کرده و در افزایش نفوذ منطقه‌ای موفق عمل کرده‌اند (المیزانی و ریکلی ۱۳۹۹). نویسنده کتاب *اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس* نیز با این رویکرد اقدامات کشورهای کوچک خلیج فارس را برای انطباق با شرایط جهانی‌شدن بررسی کرده است. نویسنده معتقد است اقدامات این کشورها در مواجهه با جهانی‌شدن می‌تواند الگویی برای سایر کشورها باشد. در این کتاب تحلیل‌های ارزش‌مندی درباره تلاش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای ارتقای جایگاه خود در نظام جهانی ارائه شده است، اما در عین حال مباحثی مطرح شده است که جای نقد دارد. در این مقاله سعی شده است کتاب

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۳۳

اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس از نظر شکلی و محتوایی ارزیابی و نقاط قوت و ضعف آن معرفی شود.

۲. معرفی کتاب

کتاب *اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس* نوشته کریستین کوتز اولریکسن (Kristian Coates Ulrichsen) است که فریبرز ارغوانی پیرسلامی، سیدجواد صالحی، و مهدی کشاورز آن را ترجمه کرده‌اند و نشر مخاطب در سال ۱۳۹۶ آن را منتشر کرده است. نویسنده کتاب، اولریکسن، یکی از پژوهش‌گران برجسته اقتصاد سیاسی بین‌المللی است که در این کتاب با پرداختن به اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کوشیده است جایگاه این کشورها را در اقتصاد سیاسی بین‌المللی ترسیم کند. دکتر فریبرز ارغوانی پیرسلامی و دکتر جواد صالحی، از اعضای هیئت‌علمی دانشگاه شیراز، و مهدی کشاورز، کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس، کتاب را به فارسی ترجمه کرده‌اند. مرور رزومه دو مترجم اول کتاب نشان می‌دهد آن‌ها در مطالعات خود بر مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس تمرکز دارند و می‌توان آن‌ها را صاحب‌نظر حوزه خلیج فارس به‌شمار آورد. مترجم سوم چندان شناخته‌شده نیست. طبق شناسنامه کتاب، اثر ویراستار ندارد و صفحه‌آرایی آن را سعیده بابایی انجام داده است.

۳. مرور اجمالی محتوای کتاب

نویسنده در مقدمه می‌نویسد، باوجود تغییرات عمیق، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در حال تبدیل شدن به مراکز بی‌چون‌وچرای قدرت و نفوذ منطقه‌ای هستند (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۴) و هدف از تدوین کتاب توصیف روندی است که این کشورها برای رسیدن به جایگاه کنونی طی کرده‌اند.

در بخش اول کتاب، زیر عنوان جهانی شدن و خلیج فارس، مطالب به چهار فصل تقسیم شده است. در فصل اول، با عنوان خلیج فارس و اقتصاد جهانی، توضیح داده شده است که کشورهای این منطقه در طول قرن‌ها به‌عنوان محور تجاری و استراتژیک عامل ارتباط قاره‌های آسیا، اروپا، و آفریقا بوده‌اند (همان: ۳۳-۶۰). در فصل دوم، با عنوان کشورهای کوچک در سیاست جهانی، نقش تکاملی کشورهای کوچک در سیاست جهان و

روابط بین‌الملل بررسی و توضیح داده شده است که چگونه کشورهای کوچک خلیج فارس با تلاش برای تبدیل شدن به یک برند بین‌المللی در حوزه‌هایی مانند ورزش، تجارت، و توریسم در روابط بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند (همان: ۶۴-۹۴). در فصل سوم، با عنوان سرمایه‌داری دولتی و فضاهای استراتژیک، توضیح داده شده است که کشورهای کوچک خلیج فارس با ترسیم چشم‌اندازهای ملی می‌کوشند فضاهای استراتژیک و فرصت‌های بزرگی برای خود در جهان ایجاد کنند. آن‌ها با سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، آموزش عالی، و تولیدات پتروشیمی درصدد ایجاد این فرصت‌ها برآمده‌اند (همان: ۹۹-۱۲۸). فصل چهارم کتاب چشم‌اندازهای خلیج فارس به توازن مجدد جهانی نام دارد. نویسنده تلاش کشورهای خلیج فارس را تناقض دوگانه هم‌سویی و مقاومت توصیف کرده و توضیح می‌دهد آن‌ها با تلاش برای حضور در ساختارهای جهانی مربوط به امور مالی، امور انرژی، و امور تغییرات آب‌وهوا مشارکت در امور جهانی را رقم زده‌اند، اما در مقابل تأثیرات فرهنگی و سیاسی این مشارکت مقاومت می‌کنند (همان: ۱۳۳-۱۵۶).

بخش دوم کتاب الگوهای درحال‌تغییر مشارکت جهانی نام دارد. این بخش فصل پنجم تا فصل نهم کتاب را شامل می‌شود. در فصل پنجم، با عنوان بین‌المللی‌شدن امور مالی خلیج فارس، ظهور دولت‌های خلیج فارس به‌عنوان کانون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای امور مالی رایج و اسلامی بررسی شده است. نویسنده زمینه‌های رشد این کشورها را در مقابل روندهای گسترده‌تر در تغییر قدرت اقتصادی جهانی از غرب به شرق و از بازار به دولت بررسی و مواردی مانند تکامل سیستم کارگزاری، ظهور مراکز مالی خلیج فارس، و رشد امور مالی اسلامی را تحلیل کرده است (همان: ۱۶۳-۱۹۷).

فصل ششم کتاب به معرفی الگوهای درحال‌تغییر تجارت جهانی اختصاص یافته و نقش دولت‌های خلیج فارس را در الگوهای تجارت و تولید جهانی توضیح داده است. در این فصل، تنوع روابط تجاری کشورهای کوچک خلیج فارس بررسی و تلاش شده است با مطالعه مواردی قابل‌تعمیم از پیوندهای درحال‌ظهور در زمینه امنیت غذایی و انرژی، ارتباطات جدید و درحال‌ظهور کشورهای خلیج فارس با شرکای جدید در آسیا و آفریقا، با هدف متنوع‌سازی روابط، معرفی و توصیف شود (همان: ۲۰۳-۲۲۷).

فصل هفتم، با عنوان هوایی‌سازی جهانی و کشورهای خلیج فارس، به بررسی موضوع هوانوردی جهانی و فرایند رشد خطوط هوایی کشورهای خلیج فارس پرداخته و توضیح

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۳۵

داده است که چگونه خطوط هوایی کشورهای خلیج فارس توانسته‌اند جایگاه بسیار مؤثری در هوانوردی جهانی کسب کنند و قابلیت مرتبط کردن نقاط مختلف جهان را به دست آورند (همان: ۲۳۱-۲۴۹).

فصل هشتم کتاب، با عنوان کارگران مهاجر در خلیج فارس، مسئله کارگران مهاجر را عامل ارتباط و پیوند بین کشورهای خلیج فارس با کشورهای مهاجرفرست معرفی کرده است. نویسنده کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را بزرگ‌ترین پذیرندگان کارگران مهاجر معرفی کرده و معتقد است کارگران مهاجر شبکه‌ای از ارتباطات انسانی، اقتصادی، و اجتماعی را بین کشورهای خلیج فارس و کشورهای مهاجرفرست تشکیل می‌دهند. مهاجرت نیروی کار و جمعیت خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به یک قطب منطقه‌ای مورد توجه کارگران مهاجر تبدیل کرده است (همان: ۲۵۳-۲۷۵).

فصل نهم کتاب پرسشی است با عنوان توهم امنیت؟ در این فصل محدودیت‌های امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بررسی و درباره این که تلاش برای پیوستن به فرایندهای جهانی بتواند موجب امنیت برای این کشورها شود تردید شده است. از نظر نویسنده، ادغام شدن در نظام جهانی و قرارگرفتن زیر چتر حمایت کشورهای غربی اعتراض‌های اجتماعی و مخالفت‌های نخبگان را برمی‌انگیزد. از سوی دیگر، در فرایند جهانی شدن، گروه‌های غیردولتی گسترش یافته که تهدیدهای غیردولتی ضد دولت‌های عضو شورای همکاری را موجب شده است. مهم‌تر این که این کشورها یک تنگنای ژئوپلیتیک در رقابت با همسایگان قدرت‌مند خود، مانند ایران و عراق، دارند. با این محدودیت‌ها، نویسنده درباره این که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بتوانند به امنیت پایدار برسند تردید می‌کند (همان: ۲۸۱-۳۰۱).

نویسنده، برای بخش نتیجه‌گیری کتاب، عنوان تناقض خلیج فارس را برگزیده است. نویسنده سعی کرده تناقضی آشکار کند که در تلاش این کشورها برای پیوستن به فرایندهای جهانی و تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار با فقدان توسعه سیاسی در این کشورها وجود دارد. فقدان توسعه سیاسی موجب نارضایتی داخلی می‌شود و با پیوستن به فرایندهای جهانی تشدید می‌شود. این که کشورهای شورای همکاری چگونه می‌توانند بر این تناقض و پی‌آمدهای آن غلبه کنند سؤالی است که پاسخ روشنی به آن داده نمی‌شود (همان: ۳۱۲-۳۱۴).

۴. خاستگاه فکری و نظری کتاب

خاستگاه نظری کتاب *اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس* ره‌یافت لیبرالیستی به موضوع جهانی شدن است. در ره‌یافت لیبرالیستی، از روابط بین‌الملل محیط بین‌الملل به‌شکل جامعه‌ای فراگیر و جهانی توصیف می‌شود. در این جامعه، بازیگران متنوعی به ایفای نقش می‌پردازند. یکی از این بازیگران دولت‌ها هستند. دولت‌ها، به‌عنوان واحدهای مستقل و دارای حاکمیت، از نظر حقوقی برابرند. آن‌ها همواره در پی تأمین امنیت و پاسخ‌گویی به نیازها و تقاضاهای گسترده و متنوع اقتصادی و اجتماعی جامعه خود هستند و می‌کوشند به حل مسائل و مشکلاتی بپردازند که در نتیجه شکاف بین تقاضاهای گسترده و منابع محدود در عرصه جهانی به وجود می‌آید. از این رو، می‌کوشند در عرصه بین‌المللی در رقابت و همکاری با سایر دولت‌ها منافع خود را تأمین کنند (Holsti 2012).

با این ره‌یافت، جهانی شدن فرایندی طبیعی در عرصه بین‌المللی است که تغییرات گسترده‌ای در جهت تقویت جامعه جهانی ایجاد می‌کند و «تمامی جوانب روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (شولت ۱۳۸۸: ۵۵). از این رو، جهان معاصر پس از جنگ سرد بسیار متفاوت از دوران قبل از آن شده است (بیلیس ۱۳۸۸: ۲۱). مهم‌ترین تغییر این است که با جهانی شدن «جهان از بسیاری جهات به مکانی واحد تبدیل شده است» (شولت ۱۳۸۸: ۶۲). این فرایند جامعه جهانی را به سوی وابستگی متقابل بین دولت‌ها و جوامع سوق می‌دهد و بالاترین حد وابستگی متقابل شکل می‌گیرد (کلارک ۱۳۸۸: ۱۴۰۹). در نتیجه، با افزایش وابستگی‌های متقابل، هم‌گرایی بیش‌تر بین‌المللی رقم می‌خورد و با کاستن از رقابت‌ها همکاری‌های بین‌المللی را افزایش می‌دهد، زیرا درحالی‌که «در روابط مبتنی بر قدرت قاعده بازی تضاد و برد یکی باخت دیگری است، با شکل‌گیری وابستگی متقابل قاعده بازی منافع مشترک است و برد و باخت همه با هم مطرح می‌شود» (سیف‌زاده ۱۳۶۸: ۲۲۶). از منظر این ره‌یافت، با فرصت‌هایی که جهانی شدن ایجاد می‌کند دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی فارغ از تفاوت‌هایی که با هم دارند می‌توانند با سیاست‌گذاری مناسب در فضایی برابر به رقابت بپردازند و از فرصت‌ها بهره‌برداری کنند.

دولت‌ها، برای کاستن از آسیب‌پذیری خود در مواجهه با چالش‌های جهانی شدن و با هدف ایجاد آمادگی برای ارتقای جایگاه و تأمین منافع جامعه خود، به بازتعریف راه‌بردهای خود پرداخته و در جهت انطباق با شرایط جهانی شدن تلاش می‌کنند. هر یک از کشورها، باتوجه به مزیت‌های نسبی، نقاط قوت، و فرصت‌هایی که دارند، برای رفع خلأها و نقاط

آسیب‌پذیر خود و دفع تهدیدها اقدام کرده و برای ارتقای توان‌مندی‌های خود با هدف دست‌یابی به جایگاه مناسب‌تر در جامعه بین‌الملل تلاش می‌کنند. این وضعیت به‌گونه‌ای توصیف می‌شود که گویا دولت‌ها از فرصت‌های برابر و یک‌سان برخوردارند و می‌توانند فارغ از تفاوت‌ها به یک اندازه از فرصت‌های جهانی شدن بهره‌مند شوند و در تحولات بین‌المللی به‌عنوان بازیگران مؤثر به ایفای نقش پردازند.

دربارهٔ تعامل در عصر جهانی شدن، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی ارائه شده است. متفکران لیبرال تا ساختارگراها سعی کرده‌اند توصیف و برداشت خود را از این وضعیت ارائه دهند و براساس توصیف خود چگونگی تعامل در عصر جهانی شدن را توضیح دهند (سلیمی ۱۳۸۴). نقدی که بر رویکرد لیبرالیستی از جهانی شدن وارد می‌شود این است که در تعامل در وضعیت جهانی شده همهٔ کشورها وضعیت یک‌سانی ندارند و همه نمی‌توانند به یک اندازه از فرصت‌های جهانی شدن بهره‌مند شوند. به‌رغم همهٔ تغییراتی که در نتیجهٔ فرایند جهانی شدن ایجاد شده است، هم‌چنان در عرصهٔ بین‌المللی آنچه عامل تعیین‌کنندهٔ نقش و تأثیر دولت‌ها در تحولات بین‌المللی است قدرت ملی آنهاست. در عصر جهانی شدن نیز، آنچه دولت‌ها را در بهره‌گیری از فرصت‌های جهانی شدن برای ایفای نقش بین‌المللی در موقعیت برتر قرار می‌دهد قدرت ملی آنهاست؛ یعنی کشورهایی که از توانایی و قدرت بیش‌تری برخوردارند، بهتر و بیش‌تر می‌توانند از فرصت‌های جهانی شدن در جهت پیش‌برد اهداف و منافع خود در جهت تأثیرگذاری در عرصهٔ بین‌المللی استفاده کنند.

واقعیت آن است که دولت‌ها از توانایی و قدرت یک‌سانی برای بازی در صحنهٔ بین‌المللی و استفاده از فرصت‌ها برخوردار نیستند و از این نظر دولت‌ها را باید به گروه‌ها و دسته‌های مختلف تقسیم کرد. فرانکل (۱۳۶۹: ۴۸) دربارهٔ دسته‌بندی دولت‌ها می‌نویسد: «واقع‌بینانه‌ترین مدل دسته‌بندی دولت‌ها مدلی است که از ترکیب قدرت و موقعیت دولت‌ها به‌وجود آمده است و طیفی از دولت‌ها، ابرقدرت‌ها، دریک‌سو و دولت‌های ذره‌ای درسوی‌دیگر را در بر می‌گیرد». کانتوری و اشپیگل نیز برحسب میزان قدرت و نفوذ به دسته‌بندی دولت‌ها پرداخته و آنها را به هفت دسته تقسیم کرده‌اند که دریک‌سو ابرقدرت‌ها و درطرف‌دیگر کشورهای ذره‌ای و مستعمرات جای گرفته‌اند (Cantori and Spigel 1970: 13-17). در این تقسیم‌بندی‌ها، ابرقدرت‌ها بیش‌ترین توان به‌رمندی از ظرفیت‌های بین‌المللی و تأثیرگذاری در تحولات را دارند و دولت‌های ذره‌ای از کم‌ترین امکان برای استفاده از فرصت‌ها و تأثیرگذاری در تحولات جهانی برخوردارند. ازاین‌رو، براساس توصیفی که از توانایی

محدود کشورهای کوچک و ذره‌ای صورت می‌گیرد، فراهم‌شدن امکان استفاده از فرصت‌های جهانی‌شدن برای به‌دست‌آوردن ظرفیتی برای تبدیل‌شدن به بازیگری مؤثر در تحولات بین‌المللی برای این گروه از کشورها بعید است. در فضای جهانی‌شده بین‌المللی نیز هم‌چنان دولت‌های بزرگ و توان‌مند به‌صورت بازیگران مؤثر در عرصه بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند و دولت‌های کوچک و ذره‌ای، به‌رغم تغییراتی که ایجاد می‌کنند، هم‌چنان به‌صورت بازیگرانی تابع و پیرو عمل خواهند کرد.

۵. ارزیابی و نقد شکلی کتاب

از نظر شکلی، کتاب در قطع مناسب، کاغذ سفید و با کیفیت، و صفحه‌آرایی مناسب به‌چاپ رسیده است. در طراحی جلد، طرحی ارائه نشده، ولی با رنگ‌آمیزی جلد با ترکیبی از رنگ آبی و نارنجی طراحی ساده‌ای صورت گرفته است که جذاب است. در درون متن کتاب، هر جا که لازم بوده، نویسنده مطالب و اطلاعات را در قالب جداول ارائه کرده است که در جذابیت صفحات و تسهیل دست‌رسی خواننده به اطلاعات و بررسی مقایسه‌ای مطالب مؤثر است.

با وجود این، کتاب از نظر شکلی ضعف‌های متعددی به‌شرح زیر دارد:

۱,۵ اشکال در معرفی نام نویسنده

اول این‌که، نام نویسنده بر روی جلد کریستین کوتزاولریکسن معرفی شده است که لازم است کوتز و اولریکسن با یک فاصله از هم جدا شوند. همین‌طور، در معرفی مترجمان در پشت جلد (به انگلیسی) نیز فاصله بین اسامی رعایت نشده است. دوم این‌که، املائی نام نویسنده یک‌سان نیست. در روی جلد اولریکسن است، اما در قسمتی از سرشناسه کتاب اولریچسن معرفی شده است. Ch وقتی به فارسی برگردانده شده در یک‌جا با صدای ک و در جای دیگر با صدای چ به‌کار رفته است.

۲,۵ اشتباهات تایپی و چاپی

اشتباهات تایپی و چاپی متعددی در اثر مشاهده می‌شود که هم‌راه با شکل صحیح آن‌ها و با ذکر صفحه و سطر در جدول ۱ منعکس شده‌اند.

جدول ۱. اشتباهات تایپی و چاپی

ردیف	اشکال	صحیح	صفحه	سطر
۱	Global govern-ance	Global governance	۱۷	زیرنویس شماره ۱
۲	... با ویژگی فقر و نیافتگی شناخته می‌شدند	... با ویژگی فقر و توسعه نیافتگی شناخته می‌شدند	۵۰	۵
۳	... امنیت انرژی نیز مستقر بود	... امنیت انرژی نیز مستتر بود	۷۰	۷
۴	... نخبگان قطر از روی دادهای ...	نخبگان قطر از روی دادهایی ...	۸۵	۳
۵	متنوع سازی	متنوع سازی	۱۱۹	آخر
۶	مصرف کنندگان گاز توازن بود	مصرف کنندگان گاز بود	۱۴۴	۴
۷	چگونه کشورهای کشورهای عضو	چگونه کشورهای عضو	۱۴۴	۸
۸	مالیکت	مالکیت	۱۶۸	۹
۹	خود را را	خود را	۱۷۰	آخر
۱۰	شش دولتی	شش دولت	۱۸۵	۲۰
۱۱	سرمایه گذاری دار در	سرمایه گذاری در	۱۸۷	۲۳
۱۲	دولت GCC	دولت های GCC	۱۸۸	۱۲
۱۳	تغییر یافت	تغییر یافته است	۱۸۸	۱۳
۱۴	صری	مصری	۱۹۱	۲۳
۱۵	تجارن	تجارت	۲۰۹	۵
۱۶	هلیدنگ قطر	هلدینگ قطر	۲۱۳	۹
۱۷	رقبای	رقبایی	۲۱۶	۱۰
۱۸	سلطان بین سیدالمنصوری	سلطان بن سیدالمنصوری	۲۲۳	۳-۴
۱۹	محدودیت مکانی و قانونی	محدودیت مکانی و قانونی	۲۳۱	۱۰
۲۰	طولانی مدتر	طولانی مدت تر	۲۳۱	۲۲
۲۱	خطوط هوای	خطوط هوایی	۲۴۴	آخر
۲۲	رقیبان	رقیبان	۲۳۵	۱۴
۲۳	یافتن خرید مناسب	یافتن خریدار مناسب	۲۳۵	۱۶
۲۴	... بعد از ورود به ابوظبی برای اولین نظر	... بعد از ورود به ابوظبی برای اولین بار نظر	۲۳۵	۲۰
۲۵	بر این نظر بوده که که امور بازرگانی	بر این نظر بوده که امور بازرگانی	۲۳۵	۱۶
۲۶	آلیتالیا	آلیتالیا	۲۴۰	۱۹
۲۷	جایگاه هواپیمای	جایگاه هواپیمایی	۲۴۰	۹

ردیف	اشکال	صحیح	صفحه	سطر
۲۸	شیخ حمد بن زیاد آل‌نهیان	شیخ حمد بن زاید آل‌نهیان	۲۴۰	۶
۲۹	مختلفدر	مختلف در	۲۵۸	۱۴
۳۰	گون‌های	گونه‌ای	۲۵۸	۱۹
۳۱	دومانی	دودمانی	۲۶۰	۹
۳۲	پی گرفته شد	پی گرفته شد	۲۶۱	۱۲
۳۳	محرو سازی	محروم‌سازی	۲۶۹	۳
۳۴	عضور	عضو	۲۷۰	۱۱

۳,۵ ضعف‌های نگارشی

علاوه‌بر اشکالات تایپی و چاپی، اشکالات نگارشی متعددی نیز در اثر وجود دارد. عدم تناسب فعل با فاعل، قرارگرفتن دو فعل پشت سر هم، فاصله بین مفعول و علامت مفعول (را)، و ... از جمله این اشکالات است که در سرتاسر اثر وجود دارد. برخی از این اشکالات به شرحی است که در جدول ۲ با ذکر صفحه و سطر آمده است.

جدول ۲. اشکالات نگارشی

ردیف	جمله و عبارت دارای اشکال	اشکال موردنظر	جمله و عبارت صحیح	صفحه	سطر
	... در هر دو کشور نه محدودیت ارضی و نه جمعیت اندک مانعی برای افزایش قدرت و نفوذ آنها نبوده است، ...	نه قبل از محدودیت و جمعیت زائد است.	... در هر دو کشور محدودیت ارضی و جمعیت اندک مانعی برای افزایش قدرت و نفوذ آنها نبوده است، ...	۲۴	۱۹-۲۱
۱	... دوره مائو را در سال ۱۹۷۸ را اعلام کرد	را زائد	... دوره مائو را در سال ۱۹۷۸ اعلام کرد	۴۱	۱۸
۲	... برای تحقق به این هدف سرمایه‌گذاری عظیم در و توسعه سریع محصولات پتروشیمی	حرف اضافه زائد	برای تحقق این هدف سرمایه‌گذاری عظیم در توسعه سریع محصولات پتروشیمی	۱۰۲	۱۴
۳	توسعه سریع محصولات پتروشیمی	حرف ربط زائد	سرمایه‌گذاری عظیم در توسعه سریع محصولات پتروشیمی	۱۰۷	۳
۴	نگرانی‌هایی که درمورد گسترش هسته‌ای وجود داشت را	را بعد فعل و با فاصله از مفعول	نگرانی‌هایی را که درمورد گسترش هسته‌ای وجود داشت	۱۱۷	آخر

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۴۱

ردیف	جمله و عبارت دارای اشکال	اشکال موردنظر	جمله و عبارت صحیح	صفحه	سطر
۵	موردتوجه و مدلی را	حذف نابه‌جای فعل	موردتوجه قرار می‌داد و مدلی را	۱۱۸	اول
۶	مذاکرات برای بر حل و فصل	حرف اضافه زائد	مذاکرات برای حل و فصل	۱۳۹	۶
۷	... دولت‌های خلیج فارس قادر ساخت	استفاده نابه‌جا از را (علامت مفعول)	... دولت‌های خلیج فارس را قادر ساخت	۲۰۷	۴
۸	مذاکره‌کننده GCC	کاربرد فاعل مفرد به‌جای جمع	مذاکره‌کنندگان GCC	۲۰۷	۷
۹	توافق نهایی را منظر اروپایی‌ها	حذف نابه‌جای از	توافق نهایی را از منظر اروپایی‌ها	۲۰۷	۱۱
۱۰	... در سنگاپور را در بخش‌هایی ...	را زائد	... در سنگاپور در بخش‌هایی ...	۲۰۷	۲۲
۱۱	... با دیدار وزیر خارجه چین به ...	حرف اضافه نامناسب برای دیدار	با سفر وزیر خارجه چین به	۲۰۸	۲۱
۱۲	... کشاورزی را در سودان را اعلام کرد	را زائد	... کشاورزی را در سودان اعلام کرد	۲۲۱	۱۰
۱۳	خطوط هوایی از در میان سه خط هوایی	حرف اضافه زائد	خطوط هوایی در میان سه خط هوایی	۲۴۰	۴
۱۴	... به سرمایه‌گذاری ... به‌عنوان ... می‌بیند	کاربرد فعل نامناسب	... به سرمایه‌گذاری ... به‌عنوان ... می‌نگرند	۲۴۴	۱۲
۱۵	... انواع بسیاری از داده‌ها که ... ضروری هستند را	را بعد فعل و با فاصله از مفعول	... انواع بسیاری از داده‌ها را که ... ضروری هستند	۲۵۹	۷
۱۶	نه هماهنگ نه متمرکز نشده‌اند	عبارت منفی با فعل منفی	نه هماهنگ و نه متمرکز شده‌اند	۲۵۷	۱۲
۱۷	مقام‌های کار گذاشته شد	عبارت نامناسب	مقام‌های منصوب شده	۲۶۳	۹
۱۸	... بیان خاطر نشان می‌کنند	واژه زائد	خاطر نشان می‌کنند	۲۶۴	اول
۱۹	... بیان در خلاصه‌ای	واژه زائد	در خلاصه‌ای	۲۶۵	۷
۲۰	به کارگران محلی سودمند می‌پردازد	عبارت نامناسب	به کارگران محلی سود می‌پردازد	۲۶۵	۱۸

۴,۵ اشکالات ویرایشی

علاوه بر اشکالات نگارشی مندرج در جدول ۲ موارد متعددی اشکال ویرایشی نیز در اثر وجود دارد. این موارد به شرح زیر است:

۱. کاربرد نامناسب مخفف کلمات

مخفف کشورهای GCC برگرفته از سرواژه‌های کلمات Gulf Cooperation Council و به معنای کشورهای شورای همکاری است. وقتی برای اولین بار از این مخفف استفاده می‌شود لازم است معادل آن به‌طور کامل درج گردد تا بعد از آن وقتی به‌کار برده می‌شود خواننده بداند منظور نویسنده چیست.

۲. اشکال فاصله بین خطوط کتاب

فاصله بین خطوط کتاب در بعضی قسمت‌ها بیش‌تر از قسمت‌های دیگر است، مانند صفحه ۱۲۶ بعد از سطر ۱۰. این وضعیت در فصول مختلف و در قسمت‌های متعدد به چشم می‌خورد.

۳. به‌کارگیری علائم ویرایشی زائد

به‌کاررفتن دوقطه در پایان جمله که یکی زائد است. مانند ... ترتیبات حکم‌رانی عمدتاً مبهمی می‌شود... (ص ۵۶ سطر ۱۹)، یا جمله ... فاصله زیادی تا شکست مذاکرات نمانده بود.. که یک نقطه پایان جمله زائد است (ص ۲۰۶ سطر ۱۹).

وجود نقطه چین زائد در جمله، مانند: ... بنیان‌های اقتصاد ملی خود در عمل یک بازی برد و باخت وجود دارد. که صحیح جمله این است: ... بنیان‌های اقتصاد ملی، خود، در عمل یک بازی برد و باخت وجود دارد. نقطه چین درون جمله زائد است (ص ۲۰۴، سطر ۲۱).

۴. به‌کارنبردن علائم ویرایشی

- استفاده نکردن از کاما، مانند ... توسعه انسانی، اجتماعی محیطی و اقتصادی که صحیح آن توسعه انسانی، اجتماعی، محیطی، و اقتصادی است (ص ۱۰۵، سطر ۱۵).

- استفاده نکردن از خط تیره؛ مانند ... شیمیایی هندی عمانی که صحیح آن شیمیایی هندی- عمانی است (ص ۲۱۶، سطر ۲۰).

۵. نگارش یک عبارت به دو شکل، مانند ممتلكات در صفحه ۱۸۲ سطر آخر و مومتالاکات در صفحه ۱۸۳ سطر ۳.

۶. پاراگراف ناقص، مانند شکسته شدن پاراگراف در وسط جمله در صفحه ۸۲ پاراگراف آخر؛ صفحه ۱۸۲، سطر ۱۶؛ و صفحه ۲۰۴، سطر ۱۹.

۵,۵ ضعف در پانوشتها و ارجاعات

ضعف و اشتباهات در پانوشتها و ارجاعات محدود است، اما در چند مورد اشتباهاتی به چشم می خورد. مانند:

۱. در پانوشتها در برخی موارد بعد از شماره پانوشت نقطه قرار گرفته، اما در برخی موارد نقطه قرار ندارد. مانند زیرنویس صفحات ۱۴، ۱۷، ۲۲، ۲۶، الی آخر.
۲. در پانوشتها کلمات لاتین باید با حروف بزرگ شروع شود، اما در برخی موارد رعایت نشده است.

۳. شماره زیرنویسها در متن در برخی صفحات هم تراز با فونت متن است، درحالی که باید از فونت کوچکتر استفاده شود. به علاوه، عدد زیر نویس به گونه ای آمده است که گویا بخشی از متن است، درحالی که باید در بالای کلمه و با فونت کوچکتر باشد، مانند مورد صفحه ۱۴.

باتوجه به اشکالات شکلی، کتاب به ویرایش ادبی و فنی کامل نیازمند است. شایسته است مترجمان، در صورت تصمیم به تجدید چاپ آن، بعد از ویرایش ادبی و فنی برای چاپ مجدد اقدام کنند.

۶. نقد و ارزیابی محتوایی کتاب

محتوای کتاب *اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس* را از دو نظر می توان مورد ارزیابی قرار داد؛ یکی از نظر ترجمه و دیگری از نظر محتوای مطالب و دیدگاههای نویسنده.

۱,۶ امتیازات ترجمه کتاب

از نظر ترجمه اولین امتیاز انتخاب متن مناسب است. مطالب و دیدگاههای مطرح شده در این کتاب از دو بعد حائز اهمیت است: یکی این که، مربوط به منطقه راهبردی خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران است و به موضوعاتی پرداخته که برای ایرانیان حائز اهمیت است. نکته دیگر این که، در کتاب مباحث تکراری مربوط به خلیج فارس کم تر مطرح و تلاش شده است از منظری نو به سیاستهای کشورهای منطقه پرداخته شود. لذا، مطالب کتاب بدیع بوده و برای علاقه مندان به مسائل خلیج فارس جالب و مفید است. مترجمان با

ترجمه کتاب هم زمینه شناخت تحولات منطقه را در شرایط جدید فراهم ساخته‌اند و هم امکان اطلاع از دیدگاه‌های جدید درباره تحولات منطقه را ایجاد کرده‌اند.

۲,۶ اشکالات ترجمه متن کتاب

با وجود امتیازاتی که ترجمه و انتشار کتاب دارد ترجمه آن دارای ضعف فراوان است. اولین اشکال ترجمه‌ای در ترجمه عنوان کتاب است. عنوان انگلیسی کتاب *The Gulf States in International Political Economy* است. این عنوان ترجمه شده است به *اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس* که چندان با محتوای کتاب، که می‌کوشد جایگاه کشورهای خلیج فارس را در اقتصاد جهانی و مشارکت در امور بین‌المللی به تصویر بکشد، تطابق ندارد. در حالی که عنوان فارسی «کشورهای خلیج فارس در اقتصاد سیاسی بین‌المللی» هم با عنوان انگلیسی و هم با محتوای کتاب تطابق بیشتری دارد.

ضعف مهم دیگر این است که ترجمه آن فاقد یک‌دستی است. ترجمه برخی از بخش‌های کتاب، مانند مقدمه کتاب، فصل دوم، فصل سوم، فصل چهارم، فصل پنجم، فصل نهم، و نتیجه‌گیری از روانی و رسایی نسبتاً خوبی برخوردار و نسبتاً کم‌اشکال است. اما ترجمه برخی از قسمت‌ها، مانند فصل اول، فصل ششم، فصل هفتم، و فصل هشتم چندان روان و رسا نیست و پراشکال است.

وجود اشکالات متعدد در ترجمه موجب شده است تا در مواردی متن برای خواننده نامفهوم شود. عبارات و جملات نامفهوم زیادی در متن وجود دارد که عمدتاً از ترجمه نامناسب ناشی شده است. در ترجمه برخی عبارات و جملات به فارسی معادل‌های نامناسب انتخاب شده است. برخی جملات هم نامفهوم و نارساست. برخی از این موارد در جدول ۳ منعکس شده است.

جدول ۳. اشکال در ترجمه و آوردن معادل‌های نامناسب

ردیف	جمله و عبارت نامفهوم	صفحه	سطر
۱	حالت ارتجاعی سلطنت (در ترجمه عنوان مقاله لیزا آندرسون <i>Absolutism and the Resilience of Monarchy in the Middle East</i> که معادل استبداد و تاب‌آوری نظام سلطنت در خاورمیانه برای آن مناسب است).	۳۷	۱۶
۲	نهی مالیات بدون نمایندگی	۵۰	۱۳
۳	... که هدف آن ایجاد ... مصرف‌کنندگان گاز توازن بود	۱۴۴	۴-۵

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۴۵

آخر	۱۶۹	... هنیه پی برد ... شرکت تغییر دهنده پول محلی بود ... اداره می شد	۴
۲۰	۱۸۶	شرکت کشتی رانی همکاری زیم	۵
۵، ۴	۱۸۷	در واقعیت، برآوردهای ... فاسد شد.	۶
۱۳	۱۸۸	همان طوری که سیاست گذاران ... تا مقاومت،	۷
آخر تا سطر ۲	-۱۹۲ ۱۹۱	در دوران پس از جنگ عراق ... تا ۲۰۰۹ بودند.	۸
۲۱-۲۳	۱۹۲	حمایت خلیج فارس ... شفافیت کمک می کند.	۹
۱۰-۱۲	۲۰۳	مجموعه مخالف این پیشرفت ... در بن بست باقی مانده است.	۱۰
۲۰-۲۱	۲۰۷	... برای تقویت نقش دولت شهر به عنوان شهر دروازه با اتصال ... صورت گرفت	۱۱
۲۳-۲۴	۲۰۷	... رفتار ترجیحی را ... در بخش هایی تضمین کرد ... می شود و محصولات نفتی در GCC را تصفیه می کند	۱۲
۶	۲۰۹	... تسهیل تغییر ... که تسهیل تبدیل صحیح است	۱۳
۱۰	۲۱۶	Eiu معتقد به این احتمال است (Eiu این احتمال را نشان می دهد صحیح است).	۱۴
۴	۲۳۱	... به عنوان نمادی از آرزوی طرفدار خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰	۱۵
۱۶	۲۳۲	... جریانات درآمدی مهم در زمان فشرده گی و استحکام هر جایی دیگر ...	۱۶
سطر اول بعد جدول	۲۳۴	... بریتانیایی RAF بریتانیایی فردی بوثورث ...	۱۷
۷	۲۴۱	رزرو حامل های خلیج فارس (رزرو حامل ها برای رزرو خطوط هوایی استفاده شده که چندان مناسب نیست).	۱۸
۴-۶	۲۵۴	این موضوع نیروی کار بخشی با سلسله مراتب ... خلیج فارس را می سازد	۱۹
آخر	۲۵۴	... و بیش تر آن به مهاجرت به داخل کشور بوده مرتبط می شود	۲۰
۱۴، ۹	۲۶۰	زانزبار (به فارسی، زنگبار صحیح است).	۲۱
آخر	۲۶۵	... همان طور که شهروندی محدود ... بر اساس مبنای بی ثبات قرار داده شده بود	۲۲
۱۶-۱۸	۳۱۲	سوریه مثال مناسبی از ... تناقض را پی گیری می کنند.	۲۳

یک دست نبودن ترجمه و اشکالات متعدد در متن ترجمه شده از تعداد مترجمان ناشی شده که با ویرایش ادبی و فنی متن توسط یک ویراستار تا حد زیادی قابل اصلاح و رفع است.

۳،۶ امتیازات محتوایی کتاب

کتاب اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس از نظر محتوایی امتیازهای متعددی دارد. مهم ترین آن ها عبارت اند از: پرداختن به الگوهای رفتاری به جای توصیف وضعیت، معرفی

تجربه‌ها و الگوهای رفتاری موفق در بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و موقعیت‌ها، معرفی سازوکارهایی برای تجزیه و تحلیل رفتار دولت‌های کوچک در محیط پرمناقشه و آنارشیک در عصر جهانی شدن، تبیین دقیق وضعیت پارادوکسیکال کشورهای خلیج فارس.

نویسنده کتاب تنها به مرور اقدامات کشورها و توصیف آن‌ها قناعت نکرده، بلکه کوشیده است الگوهای رفتاری آن‌ها را معرفی کند. نویسنده کتاب کوشیده است الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس (نه صرفاً رفتار آن‌ها) را برای گسترش نفوذ بین‌المللی خود و افزایش حضور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی معرفی کند و با معرفی این الگوها برای سایر کشورها نیز ارائه طریق کند. بنابراین، از صرف توصیف سیاست‌ها فراتر رفته و کوشیده است الگوهای قابل‌تعمیمی را درباره چگونگی ارتقای جایگاه کشورهای کوچک در عرصه بین‌المللی ارائه کند.

امتیاز مهم دیگر این‌که، در معرفی الگوهای رفتاری به طرح کلی الگوها محدود نمانده، بلکه به صورت مشخص و ملموس الگوهایی را، که در حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته، با ذکر ویژگی‌ها و فرایندها معرفی کرده است. در بخش اول کتاب (فصل اول تا چهارم) با نگاهی به سیر تاریخی، که این کشورها در همکاری با جامعه جهانی و مشارکت در امور بین‌المللی طی کرده‌اند، برای ترسیم و توصیف الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس در طول تاریخ و استفاده از آن‌ها در شرایط جدید تلاش شده است. در این بخش، نویسنده با اشاره به روند جهانی شدن و مواجهه کشورهای خلیج فارس با آثار آن توضیح می‌دهد که این کشورها با چه سازوکارهایی توانسته‌اند بر بستر فرصت‌های جدیدی که جهانی شدن ایجاد می‌کند، با استفاده از موقعیت و ظرفیت‌های خود، و ایجاد طرح‌های توسعه ملی به ایفای نقشی جهانی پردازند تا به حداکثر منافع از جهانی شدن اقتصاد دست یابند.

در معرفی سازوکارهای مورد استفاده، نویسنده از یک سو به سیاست کشورهای خلیج فارس برای تبدیل شدن به برند جهانی در حوزه‌هایی مانند ورزش، تجارت، و جهان‌گردی اشاره می‌کند و از سوی دیگر به بررسی اقدامات آن‌ها برای جلب مشارکت نهادهای معتبر بین‌المللی و فعالیت با نام و برند آن‌ها در حوزه‌هایی مانند آموزش عالی، انرژی تجدیدپذیر، و تولید پتروشیمی می‌پردازد. به علاوه، اقدامات این کشورها را برای مشارکت در تصمیم‌گیری و تدبیر امور جهانی مانند بحران‌های مالی، مسئله انرژی، و امور آب و هوا، و محیط زیست نمونه‌ای از الگوهای رفتاری کشورهای کوچک خلیج فارس برای پیوندن امور داخلی خود با امور جهانی و ارتقای جایگاه در عصر جهانی شدن می‌داند.

اما در بخش دوم، در امتداد الگوهای تاریخی و باتوجه به تغییرات و تحولات بین‌المللی و فرایندهای جهانی شدن، الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس در دو دهه اخیر معرفی شده‌اند. نویسنده الگوهای رفتاری کشورهای کوچک منطقه خلیج فارس را الگوهای موفق‌تری ارزیابی می‌کند که موجب افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی آن‌ها شده و جایگاه آن‌ها را در عرصه بین‌المللی افزایش داده است. نویسنده این الگوها را تعمیم‌پذیر می‌داند که می‌تواند از سوی دیگر دولت‌های کوچک مورد استفاده قرار گیرد. امتیاز بررسی و معرفی الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس در آن است که در فضای پرمناقشه و آناشیک چهارچوبی برای تجزیه و تحلیل رفتار این دولت‌ها به دست می‌دهد، که به دست آوردن شناخت از این الگوها در پیش‌بینی پذیرکردن رفتار این دولت‌ها مؤثر است. از سوی دیگر، تعمیم‌پذیر بودن این الگوها، آن‌چنان‌که نویسنده ادعا کرده است، می‌تواند سرمشقی برای سایر دولت‌ها قرار گیرد و یاری‌گر آن‌ها در طی کردن مسیرهای پریچ‌وخم جهان در حال تغییر باشد.

تبیین دقیق وضعیت پارادوکسیکال و تناقض‌آلود کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس امتیاز دیگر این کتاب به حساب می‌آید. نویسنده کتاب، با ارائه شواهد، نشان می‌دهد که چگونه کشورهای کوچک عضو شورای همکاری خلیج فارس با تلاش برای مشارکت در امور جهانی و بازسازی ساختارهای خود می‌کوشند به‌عنوان کشورهای مؤثر در عرصه جهانی ایفای نقش کنند. در عین حال، این واقعیت را به‌خوبی تصویر می‌کند که تمام این تلاش‌ها حوزه‌های غیرسیاسی را در بر می‌گیرد و به حوزه‌های سیاسی کشیده نمی‌شود. بنابراین، اگر تغییری در این کشورها رخ می‌دهد، در حوزه‌های غیرسیاسی است و از لحاظ سیاسی ساختارهای سنتی و متصلب پادشاهی‌ها دست‌نخورده باقی مانده است؛ وضعیتی که هم‌چنان حضور این کشورها را در عرصه‌های تدبیر و تصمیم‌گیری جهانی با چالش مواجه می‌کند.

تناقض دیگری که، از نظر نویسنده، کشورهای خلیج فارس با آن مواجه‌اند وضعیت تناقض‌آمیز در زمینه تأمین امنیت است. از نظر نویسنده، تمام تلاشی که کشورهای کوچک خلیج فارس انجام می‌دهند برای آن است که در شرایط جدید بین‌المللی به امنیت برسند. اقدامات آن‌ها، اگرچه تا حدی به افزایش نقش آن‌ها منتهی می‌شود، اما این‌که بتواند آن‌ها را به امنیت برساند با تردید همراه است، زیرا از بعد داخلی با حفظ و تداوم ساختارهای سنتی هم‌چنان شکاف‌های سیاسی داخلی در این کشورها تداوم می‌یابد و از بعد منطقه‌ای

محدودیت‌های ذاتی و ژئوپلیتیکی این کشورها آن‌ها را از این‌که بتوانند به‌عنوان قدرت منطقه‌ای در مقابل رقبای منطقه‌ای عمل کنند باز می‌دارد. لذا، هم‌چنان تصور وجود تهدید و احساس ناامنی بالای سر آن‌ها باقی خواهد ماند.

۴,۶ اشکالات محتوایی کتاب

با نگاهی نقادانه کتاب ضعف‌هایی دارد که هم الگوهای رفتاری مطرح‌شده را به‌عنوان الگوهایی موفق برای تأمین منافع ملی متزلزل می‌کند و هم تعمیم‌پذیر بودن آن‌ها را با تردید مواجه می‌سازد. به‌علاوه، موجب تشکیک در استنتاج‌ها و نتیجه‌گیری نویسنده درباره نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی کشورهای کوچک خلیج فارس می‌شود. این ضعف‌های محتوایی به‌شرح زیر است:

۱. اغراق درباره ارتقای موقعیت و جایگاه کشورهای کوچک خلیج فارس. اقدامات کشورهای خلیج فارس موقعیت و وضعیت آن‌ها را نسبت به گذشته بهبود بخشیده است. اما نویسنده کتاب در بیان تأثیرات این تغییرات و بهبود موقعیت کشورهای خلیج فارس در ایفای نقش در امور جهانی و منطقه‌ای بیش از حد واقعی آن را بزرگ جلوه داده است.

برخی از عبارات و تجزیه و تحلیل‌های اغراق‌آمیز نویسنده درباره افزایش تأثیرگذاری کشورهای خلیج فارس به‌گونه‌ای است که گویا درباره یک کشور و قدرت بزرگ منطقه‌ای صحبت می‌شود. در جایی کشورهای خلیج فارس در حال تبدیل شدن به مراکز بی‌چون و چرای قدرت توصیف شده‌اند. «کشورهای خلیج فارس، برخلاف تغییرات رخ داده در ساختار و توازن مهم ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک، به‌طور روزافزونی در حال تبدیل شدن به مراکز بی‌چون و چرای قدرت و نفوذ منطقه‌ای هستند» (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۳). در جایی دیگر، اعطای میزبانی جام جهانی به قطر خیزشی سریع و تکان‌دهنده به‌عنوان قدرت منطقه‌ای با ظرفیت جهانی معرفی شده است. «اعطای حق میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ به قطر در دسامبر سال ۲۰۱۰ حاکی از خیزش سریع و حتی تکان‌دهنده کشورهای خلیج فارس به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای با ظرفیت جهانی است» (همان).

نویسنده گاهی حتی تأثیر محدودیت‌های ژئوپلیتیک این کشورها را فراموش کرده و تأکید می‌کند که این محدودیت‌ها نمی‌تواند این کشورها را در راه رسیدن به سطح بالاتری از قدرت بازدارد.

بررسی دقیق‌تر قطر و امارات نشان می‌دهد که چگونه در هر دو کشور محدودیت ارضی و جمعیت اندک مانعی برای افزایش قدرت و نفوذ آنها نبوده است؛ به‌گونه‌ای که این دو کشور در برخی سطوح از بسیاری از کشورهای بزرگ‌تر و به‌لحاظ رفاهی قدرت‌مند پیشی گرفته‌اند (همان: ۲۴).

آن‌چنان در این تحلیل اغراق شده که در جایی دیگر کشورهای خلیج فارس به‌عنوان کنش‌گران بانفوذ در تغییر قدرت جهانی توصیف شده‌اند. «کشورهای خلیج فارس به‌عنوان کنش‌گران بانفوذ در تغییر قدرت جهانی ظهور کرده‌اند» (همان: ۱۵۵). در بخش دوم کتاب نیز، نویسنده «به تحلیل ظهور دولت‌های خلیج فارس به‌مثابه کنش‌گران اصلی در متوازن‌سازی گسترده ژئواکونومیک جهانی و قدرت سیاسی می‌پردازد» (همان: ۱۶۴). نویسنده در تحلیل این وضعیت می‌نویسد: «با گذشت یک دهه و نیم از تغییر هزاره، کشورهای خلیج فارس به قدرت‌های منطقه‌ای با برد بین‌المللی تبدیل شده‌اند» (همان: ۳۱۲).

۲. تعمیم‌پذیر معرفی کردن الگوهای رفتاری تعمیم‌ناپذیر. نویسنده کتاب الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس را تعمیم‌پذیر معرفی کرده است؛ به این معنا که دیگر کشورهای کوچک در جهان می‌توانند با تبعیت از این الگوها موقعیت خود را ارتقا بخشند و به قدرت‌های مؤثر در امور منطقه‌ای و جهانی تبدیل شوند.

نویسنده تأکید دارد «بخش دوم کتاب الگوهای درحال‌تغییر مشارکت کشورهای خلیج فارس در نظام جهانی را موردبررسی قرار می‌دهد» (همان: ۲۵) و درباره مطالب فصل ششم می‌نویسد:

با مطالعه موردی قابل‌تعمیم از پیوندهای درحال‌ظهور امنیت غذایی و انرژی، که درحال ایجاد ارتباطات جدید و بادوام بین کشورهای حوزه خلیج فارس و یک‌سری از شرکای آن در آفریقا و آسیاست، به‌پایان می‌رسد (همان).

این فصل به ارائه شواهد تجربی نقش بیش‌تر دولت‌های خلیج فارس در الگوهای تجارت و تولید جهانی می‌پردازد. ... این پیوندها به الگوهای درحال‌تغییر تجارت بین‌المللی، که مجموعاً درحال شکل‌بخشی مجدد به روندهای اقتصاد جهانی هستند، کمک کرده است (همان: ۲۰۳).

در فصل هفتم هم به‌صورت موردی به بررسی خطوط هوایی کشورهای خلیج فارس و نقش آنها در ایجاد تغییرات عمیق برای نقش کشورهای خلیج فارس در اقتصاد جهانی پرداخته است و آن را الگویی معرفی می‌کند که موجب برانگیختن رقابت خطوط هوایی کشورهای بزرگ با خطوط هوایی خلیج فارس شده است (همان: ۲۳۱-۲۵۱).

امروزه، در عصر ارتباطات و تبادلات بین جوامع، دولت‌های مختلف می‌توانند با تبادل تجربیات از تجربیات یک‌دیگر استفاده کنند. اما به‌نظر می‌رسد الگوهایی که کشورهای حوزه خلیج فارس به‌کار گرفته‌اند، به‌علت موقعیت و ویژگی‌های ژئوپلیتیک، ظرفیت‌های داخلی، و به‌ویژه برخورداری از منابع زیرزمینی تاحد زیادی انحصاری است و قابلیت تعمیم ندارد. کشورهای کوچک جهان، حتی کشورهای کوچک دیگر در خاورمیانه که از موقعیت، ظرفیت، و منابع موجود در کشورهای کوچک خلیج فارس برخوردار نیستند، نمی‌توانند از الگوی رفتاری این کشورها استفاده کنند. از این‌رو، نمی‌توان تجربیات آن‌ها را تعمیم‌پذیر معرفی کرد.

۳. نشان دادن الگوی رشد و توسعه شرکتی به‌جای الگوی توسعه ملی. نقد مهم دیگر به دیدگاه نویسنده این است که الگوی مورد استفاده کشورهای کوچک خلیج فارس را به‌عنوان الگوی توسعه ملی مدنظر قرار داده است. رهبران کشورهای کوچک خلیج فارس به‌عنوان رهبرانی ملی ایفای نقش می‌کنند، اما بررسی واقعیت‌های این جوامع و شیوه حکمرانی آن‌ها گویای این واقعیت است که آن‌ها بیش‌تر به‌صورت رؤسای شرکت‌های بزرگ عمل می‌کنند. در الگوی توسعه ملی، رهبران ملی تلاش می‌کنند تا تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و ... در جامعه ایجاد کنند و سطح زندگی و رفاه را نه‌تنها برای نسل حاضر، بلکه برای نسل‌های بعدی تأمین و تضمین کنند. اما در رشد و توسعه شرکتی، رؤسای شرکت‌ها برای کسب و افزایش سود بیش‌تر برای صاحبان شرکت در شرایطی که در آن به‌سر می‌برند تلاش می‌کنند.

رهبران کشورهای کوچک خلیج فارس به‌مثابه مالک سرزمین تحت‌اداره خود عمل می‌کنند. آن‌ها به‌جای این‌که کشورهای خود را به‌عنوان واحدهای ملی هدایت کنند، به‌مثابه یک رئیس شرکت بزرگ آن‌ها را اداره می‌کنند. از این‌رو، به‌جای تلاش برای ایجاد تغییرات و تحولات بنیادی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و ... سعی می‌کنند با جلب حمایت و یا کسب مشارکت شرکت‌های غربی منافع موردنظر خود را افزایش دهند. این شیوه عمل رهبران خلیج فارس شکل جدیدی از تحت‌الحمایگی را رقم زده است که می‌توان آن را الگوی تحت‌الحمایگی در عصر جهانی شدن نامید. در این الگو، به‌جای آن‌که یک کشور به‌صورت یک‌پارچه تحت‌الحمایه شود، اجزا و بخش‌های مختلف کشور تحت حمایت سازمان یا شرکت مشابه خارجی قرار می‌گیرند. مثلاً دانشگاه‌های محلی تحت حمایت دانشگاه‌های آمریکایی یا اروپایی و با برند آن‌ها فعالیت می‌کنند. این شیوه عمل ممکن است موجب رونق و رشد شود، اما با توسعه ملی فاصله بسیار دارد.

۴. نقد محتوایی دیگر آن است که نویسنده کتاب الگوهای مورد استفاده کشورهای خلیج فارس را الگوهای غیرغربی معرفی می‌کند که نظم جهانی غرب را به چالش می‌کشد. می‌نویسد:

هدف اصلی کتاب توصیف روندی است که کشورهای خلیج فارس طی آن در طول چهار دهه گذشته خودشان را در بستر نظام جهانی قدرت، سیاست، و سیاست‌گذاری قرار دادند. مسئله اصلی این کتاب میزان حضور فردی بسیار فعالانه، و مستقیم، کشورهای حوزه خلیج فارس در نهادهای بین‌المللی و تدبیر امور جهانی است که صرفاً جنبه دیگری را به ساختارهای کم‌تر تغییر یافته می‌افزاید و منجر به ائتلاف‌های نسبتاً نوینی از اقتصادهای در حال ظهور می‌شود که نظم جهانی غرب را به چالش می‌کشد (همان: ۱۷).

مقام‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دوشادوش بسیاری از گفتمان‌های غیرغربی دیگر بخشی از جنبه‌های جهانی شدن اقتصاد را مشتاقانه پذیرفته‌اند و در مقایسه با پیوست‌های نظری یا جنبه‌های هنجاری تدبیر امور جهانی بر ابزارهای عملی مشارکت جهانی متمرکز شدند (همان: ۱۸).

نویسنده کتاب به گونه‌ای از کاربرد الگوهای غیرغربی و به چالش کشیدن نظم غربی صحبت می‌کند که گویا کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان کشورهای انقلابی و تجدیدنظرطلب ضد نظم و الگوی غربی قیام کرده‌اند. حال آن‌که، کشورهای خلیج فارس نه تنها الگو و گفتمان غربی مسلط بر جهان در عصر جهانی شدن را پذیرفته‌اند و در چهارچوب آن عمل می‌کنند، بلکه سعی دارند از رویارویی با نظم جهانی غرب پرهیز کنند. آن‌ها این نظم را پذیرفته‌اند و سعی دارند خود را با آن انطباق دهند. حتی، در استفاده از الگوهایی مانند بانک‌داری اسلامی و بدون ربا نیز تلاشی برای مسلط کردن این الگو در جهان ندارند، بلکه سعی دارند این الگو را در درون الگو و نظم غربی سازگار و عملی کنند.

۵. تعلیق پایانی و قرارداد خواننده در ابهام و بلا تکلیفی. نویسنده کتاب تحلیل خود را با یک تعلیق به پایان رسانده است. نویسنده در فصول مختلف سعی کرده است توضیح دهد که چگونه کشورهای کوچک خلیج فارس توانسته‌اند نفوذ بیش‌تری پیدا کنند و به عنوان قدرت‌های مؤثر در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ایفای نقش کنند. با آن‌که در طول کتاب بر قدرت‌یابی کشورهای خلیج فارس (گاهی به شکل اغراق‌آمیز) تأکید می‌شود، به یک‌باره در فصل پایانی کتاب، تحت عنوان توهم امنیت، و در نتیجه‌گیری، با عنوان تناقض خلیج فارس، چالش‌های امنیتی و مشکلات بی‌ثبات‌ساز کشورهای خلیج فارس یادآوری می‌شود؛

مشکلات و چالش‌هایی که نه تنها قدرت و نفوذ این کشورها، بلکه موجودیت آن‌ها را تهدید و چشم‌انداز مبهم و تیره‌ای از آینده ترسیم می‌کند. از این رو، خواننده کتاب نمی‌تواند به جمع‌بندی برسد که آیا واقعاً الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس موجب افزایش قدرت و نفوذ آن‌ها شده یا این که آن‌ها هم‌چنان و در آینده با تهدیدهای امنیتی بنیان‌برافکن مواجه خواهند شد؟ نویسنده، با تعلیق پایانی، یافتن جواب این سؤال را به خواننده واگذار کرده است.

۷. نتیجه‌گیری

کتاب *اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس*، با توجه به فراگیری فرایند جهانی شدن، سعی کرده است جایگاه کشورهای کوچک خلیج فارس را در این فرایند ترسیم کند. نویسنده، با توجه به تأثیرات عمیق و گسترده جهانی شدن و چالش‌های آن برای کشورهای کوچک، توضیح داده است که چگونه این کشورها با به‌کارگیری الگوهای عملی در درون نظم جهانی توانسته‌اند موقعیت خود را ارتقا بخشند. آنچه را نویسنده توصیف کرده تأیید این واقعیت است که عصر جهانی شدن، در عین این که تهدیدهایی را برای کشورهای کوچک به‌همراه دارد، فرصت‌هایی را نیز ایجاد می‌کند. از نظر نویسنده، کشورهای کوچک می‌توانند با بهره‌گیری از این فرصت‌ها تهدیدها را دفع و منافع خود را به‌حداکثر برسانند. نویسنده، با اشاره به الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس، توضیح داده است که این کشورها توانسته‌اند، با توجه به ظرفیت‌های خود و استفاده از فرصت‌های عصر جهانی شدن، نقش و قدرت خود را در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای افزایش دهند. صرف‌نظر از امتیازات و اشکالات شکلی، کتاب از نظر محتوایی نیز دارای امتیازات و اشکالات قابل‌توجهی است. امتیاز کتاب این است که سعی کرده است برای کشورهای کوچک الگویی عملی برای اقدام در عصر جهانی شدن در جهت حفظ منافع و ارتقای موقعیت خود ارائه کند. در این جهت، کشورهای کوچک خلیج فارس را نمونه‌هایی موفق معرفی کرده است، اما ضعف محتوایی کتاب آن است که در ارائه دیدگاه خود درباره کشورهای کوچک خلیج فارس و ارتقای نقش و موقعیت آن‌ها بسیار اغراق کرده است. گاهی این اغراق آن‌قدر زیاد است که موجب انحراف ذهن از واقعیت‌هایی می‌شود که کشورهای کوچک خلیج فارس با آن مواجه هستند.

کتابنامه

- اولریکسن، کریستین کوتز (۱۳۹۶)، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس*، ترجمه فریبرز ارغوانی پیرسلامی، سیدجواد صالحی، و مهدی کشاورز، تهران: مخاطب.
- بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۸)، *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین* (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها، و فرایندها)، تهران: ابرار معاصر.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن*، تهران: سمت.
- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۶۸)، *نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل*، تهران: سفیر.
- شولت، جن ارت (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن سیاست»، در: *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین* (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها، و فرایندها)، جان بیلیس و استیو اسمیت، تهران: ابرار معاصر.
- فرانکل، جوزف (۱۳۶۹)، *روابط بین‌الملل در جهان متغیر*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کلارک، یان (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و نظم پس از جنگ سرد»، در: *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین* (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها، و فرایندها)، جان بیلیس و استیو اسمیت، تهران: ابرار معاصر.
- المزاینی، خالد و جین مارک ریکلی (۱۳۹۹)، *قدرت‌های کوچک خلیج فارس: تحول در سیاست خارجی و امنیتی کشورهای کوچک خلیج فارس پس از بهار عربی*، ترجمه حمیدرضا خالدی، تهران: بید.

Baylis, John and Steve Smith (2009), *The Globalization of World Politics: an Introduction to International Relations*, Abolghasem Rahchamani et al. (trans.), Tehran: Abrar Moaser Publisher [in Persian].

Cantori, J. Jouis and Steven L. Spigel (1970), *The International Relations of Regions*, New Jersey: Prentice-Hall, Inc. Englewood Cliffs.

Clark, Ian (1388), "Globalization and Post-Cold War Order", in: *The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations*, John Baylis and Steve Smith (eds.), Abolghasem Rahchamani et al. (trans.), Tehran: Abrar Moaser Publisher [in Persian].

Frankel, Joseph (1369), *International Relations in a Changing World*, Tehran: Institute of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs [in Persian].

Holsti, Ole R. (2012), "Theories of International Relations", in: *Explaining the History of American Foreign Relations*, Michael J. Hogan and Thomas G. Paterson (eds.), Cambridge University Press.

- Al-Mazayni, Khaled and Jane Mark Riciley (2020), *The Small Powers in the Persian Gulf: Developments of the Foreign and Security Policy in the Small Countries of the Persian Gulf after the Arab Spring*, Hamidreza Khaledi (trans.), Tehran: Bid Publisher [in Persian].
- Salimi, Hussein (2005), *Various Theories about Globalization*, Tehran: Samt Publisher [in Persian].
- Schultz, Jan Art (1388), "Globalization of Politics", in: *The Globalization of World Politics: an Introduction to International Relations*, John Baylis and Steve Smith (2009) (eds.), Abolghasem Rahchamani et al. (trans.), Tehran: Abrar Moaser Publisher [in Persian].
- Seifzadeh, Seyed Hossein (1368), *Various Theories of International Relations*, Tehran: Safir [in Persian].
- Ulrichsen, Kristian Coates (2017), *The Gulf States in International Political Economy*, Fariborz Arghavani Pirsalami, Seyed Javad Salehi, and Mehdi Keshavarz (trans.), Tehran: Mokhtab Publisher [in Persian].